

بررسی فقهی حقوقی جرم پولشویی

محمدباقر گرایلی*

چکیده

پولشویی یکی از مباحث جدید فقه و حقوق جزا می‌باشد که بسیاری از جوانب و مبانی آن به علت جدید بودن موضوع، مبهم مانده و نیاز به تحلیل و بررسی دارد؛ به ویژه این که در روند جرم‌انگاری این فرایند، بعضی از اصول فقهی و حقوقی از جمله اصل برائت، ممنوعیت تجاوز به حریم خصوصی و... مخدوش می‌گردد. بنابراین لازم است علاوه بر بررسی مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری این فرایند به این تعارضات پرداخته شده و مستنداً و مستنداً این تعارضات حل گردد. در این مقاله برآنیم در حد ضرورت و توان به این موضوعات بپردازیم و تعارضات تا حد امکان حل گردد.

واژگان کلیدی: پولشویی، حقوق موضوعه، قواعد فقهی، مظاهر اولیه‌ی پولشویی.

*. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی واحد مشهد.

کلیات

تعریف پولشویی از منظر حقوق در دو مقوله قابل بررسی می‌باشد: الف: منابع بین‌المللی، ب: منابع و قوانین داخلی

الف. منابع بین‌المللی

با توجه به این که کنوانسیون پالمو جامع‌ترین کنوانسیون در این زمینه می‌باشد صرفاً به تعریف پولشویی از دیدگاه این کنوانسیون اشاره می‌کنیم:

تعریف پولشویی در کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰

در ماده‌ی ۶ کنوانسیون که تحت عنوان «جرم‌انگاری تطهیر منافع حاصل از جنایت» تدوین یافته، تطهیر پول چنین تعریف شده‌است:

۱. هر دولت متعاهدی طبق اصول اساسی حقوق داخلی خودش اقدامات قانون‌گذاری و سایر اقداماتی را که برای جرم جنایی (Criminal Offence) تلقی کردن این اعمال لازم باشد، اتخاذ خواهد کرد. زمانی که اعمال زیر به صورت عمدی ارتکاب گردد:

* تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جنایت می‌باشد به منظور اختفا یا گمراه کردن منشأ غیرقانونی اموال با کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می‌شود به منظور زدودن آثار حقوقی جرم وی.
* اختفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی، منبع، مکان، انتقال، حرکت با ملکیت اموال با حقوق مربوط به آن با علم به این که چنین اموالی حاصل از جنایت می‌باشد.

۲. طبق مفاهیم اساسی سیستم حقوقی در هر کشوری:

* تحصیل، تصرف، یا استفاده از اموال با علم به این که چنین اموالی منافع حاصل از جرم می‌باشد.
* شرکت در ارتکاب یا همکاری یا تبانی در ارتکاب یا شروع به ارتکاب، معاونت، تسهیل و مشاوره‌دادن به ارتکاب هرگونه جرایمی که طبق این ماده‌ی جرم تلقی می‌شود.

ب. تعریف پولشویی از دیدگاه قوانین داخلی

قانون مبارزه با پولشویی که مصوب ۱۳۸۶/۱/۱۷ است، چنین تعریف شده‌است:

الف: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی ارتکاب جرم به دست آمده‌باشد.

ب: تبدیل مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.

ج: اختفا یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی جرم تحصیل شده‌باشد. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴)

عناصر تشکیل دهنده جرم پولشویی

۱. عنصر قانونی

در قوانین داخلی، ماده‌ی ۲ قانون مبارزه با پولشویی که در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱۷ به تصویب رسیده است، می‌باشد؛ لکن از منظر اسناد بین‌المللی مهمترین کنوانسیون مرتبط، کنوانسیون پالرمو است.

۲. عنصر مادی

عنصر مادی این جرم همانند عنصر قانونی، هم از منظر اسناد بین‌المللی و هم از منظر قوانین داخلی قابل بررسی است.

الف. اسناد بین‌المللی

با توجه به این که کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ جامع‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه است، لذا عنصر مادی را از منظر این کنوانسیون بررسی می‌کنیم:

الف: ۱. تبدیل یا انتقال دارایی با علم به این که دارایی مزبور از عواید حاصله از جرم است، به منظور مخفی کردن یا تغییر دادن منشأ غیرقانونی این دارایی یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم اصلی مشارکت دارد، برای فرار از عواقب قانونی اعمال خود.

۲. اخفاء یا کتمان ماهیت حقوقی یا منشأ یا محل یا کیفیت تصرف در آن یا نقل و انتقال یا مالکیت یا حقوق متعلق به آن با علم به این که این دارایی از عواید حاصل از جرم می‌باشد.
در ادامه‌ی کنوانسیون موارد دیگری را ذکر نموده و آن‌را منوط به مفاهیم اساسی نظام حقوقی خود کشورها قرار داده است.

ب. در قوانین داخلی

ماده‌ی ۲ از قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۸۶/۱/۱۷ پولشویی را چنین تعریف کرده است:

الف. تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی، با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی ارتکاب جرم به دست آمده است.

ب. تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات آن جرم نگردد.

ج. اختفا یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه‌ی جرم تحصیل شده باشد.

ماده‌ی ۳: عواید حاصل از جرم، به معنای هر مالی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد. (قانون مبارزه با پولشویی، ماده‌ی ۲ و ۳)

بررسی عنصر مادی جرم پولشویی در قوانین داخلی

ماده ۲ قانون فوق می گوید: «پولشویی عبارت است از: الف: تحصیل...» چند سؤال در این جا مطرح می شود:
سؤال اول: فرق این ماده با ماده ۶۶۲ ق.م.ا که بیان داشته: هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است، آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد... چیست؟

آن چه در جواب این سؤال می توان گفت این است که: ماده ۶۶۲ خاص است و این ماده عام، ولی با این مطلب فرق این دو مشخص نشده و اشکال از بین نمی رود. این ماده جرم را مطلق بیان کرده و معلوم نیست آیا شامل جرم سرقت می گردد یا جرم در اینجا مفهوم خاصی دارد. لازم بود در اینجا به ذکر مطلق جرم بسنده نکرده و پسوند مهم یا جرایم منشأ را می آورد تا شبهه را در آن از بین ببرد، ولی در عین حال با بررسی هدف از جرم انگاری پولشویی که مبارزه با جرایم سازمان یافته و حرفه ای می باشد؛ و با توجه به این که مقنن کشورمان در شناسایی جرایم منشأ، روش معیارشناسی را پذیرفته و با توجه به معیارهای مذکور، باید بگوییم نسبت بین ماده ۶۶۲ ق.م.ا و ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی به جهت مفهوم، عموم و خصوص مطلق و به جهت مصادیق بین آنها تباین می باشد.

اما این که به جهت مفهوم عام و خاص مطلق هستند؛ به این معنی است که وقتی به متن ماده ۶۶۲ ق.م.ا و ماده ۲ قانون پولشویی نگاه می کنیم، ماده ۲ قانون پولشویی عام و شامل کلیه جرایم و مداخله در آن به هر نحو می باشد، تحصیل، تملک، استفاده و... ولی در ماده ۶۶۲ صرفاً به اموال ناشی از سرقت، آن هم مداخله در آنها به نحو تحصیل، یا مخفی یا قبول می باشد و اما این که به جهت مصادیق با هم تباین دارند، باید توجه داشت با توجه به اهداف جرم انگاری پولشویی و با توجه به مصادیق جرایم منشأ چه در روش احصاء قانونی و چه در روش معیارشناسی جرم منشأ، قطعاً مراد مقنن مبارزه با جرایم و سرقت های جزئی نبوده است، بلکه مقنن چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی قصد داشته است با جرم انگاری این فرایند که در رأس هرم جرایم سازمان یافته و شدید قرار دارد از جرایم سازمان یافته، شدید و مهم جلوگیری کند. لذا مصادیق جرایم ۶۶۲ ق.م.ا جرایم و سرقت های ساده و مصادیق ماده ۲ قانون پولشویی، جرایمی است که معمولاً از آنها با پسوند مهم، شدید و سازمان یافته یاد می شود.

سؤال دوم: در بند ۱ این ماده تملک و تحصیل را کنار هم آورده است و این نشان از آن دارد که این دو قسم یکدیگر هستند و معانی متفاوتی دارند. حال تفاوت این دو در چیست؟

با توجه به معانی که دکتر لنگرودی و علامه دهخدا برای تحصیل و تملک بیان نموده اند ذکر یکی از این دو ما را از ذکر دیگری بی نیاز می کند. (رک. لنگرودی، ۱۳۷۹، ج ۲؛ دهخدا، ۱۳۴۱، کلمه ی تملک)

بند ب ماده ی فوق الذکر: «تبدیل، مبادله و انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ...» همان سؤالی که در بند «الف» مطرح گردید، در این جا نیز مطرح می گردد که منظور از این اصطلاحات چیست؟

باید اذعان کرد آن چه در تفکیک معانی، تبدیل، مبادله، انتقال گفته شده (رک. لنگرودی، ۱۳۷۹، پیشین؛ معین، ۱۳۶۰، پیشین) جز استحسان چیز دیگری نیست و این دو کلمه در بسیاری از موارد یا مترادفند و یا در بسیاری از موارد با هم در مصداق تداخل می کنند و ذکر هر یک، توضیح دیگری می باشد.

ج: اخفاء یا پنهان کردن یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال... در مورد این بند نکات ذیل قابل ذکر است:

آن چه از فرهنگ معین (معین، ۱۳۶۰، کلمه‌ی پنهان) و ترمینولوژی حقوق (لنگرودی، ۱۳۷۹، کلمه‌ی اخفاء مقصر، اخفاء عیب) و دیگر فرهنگ‌های لغت برمی آید این است که اخفاء، کتمان، پنهان کردن، دارای معانی واحدی هستند، حتی برای ترجمه و توضیح هر یک از دیگری استفاده می شود. گفتنی است که پنهان کردن، ترجمه‌ی فارسی اخفاء است. (همان، کلمه‌ی اخفاء عیب)

پس الزاماً ذکر هر یک از این کلمات پس از دیگری توضیحی است نه احترازی.

۲. دو کلمه‌ی منبع و منشأ نیز به یک معنی می باشد و ذکر یکی ما را از دیگری بی نیاز می کند.

۳. فرق بین جابه‌جایی و نقل و انتقال این است که جابه‌جایی حرکت فیزیکی و حسی را شامل می شود، ولی نقل و انتقال حرکت اعتباری از طریق عقود و ایقاعات است. (همان، کلمه‌ی نقل و انتقال)

عنصر روانی

عنصر روانی جرم تطهیر را همچون دو عنصر دیگر در دو مقوله مورد بحث قرار می دهیم:

الف. در اسناد بین‌المللی

کنوانسیون وین ۱۹۸۸ و کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰

ماده‌ی ۳ کنوانسیون وین، در بند ب (باقرزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲) فرعی و بند ۳ فرعی و در کنوانسیون پالرمو (همان) ماده‌ی ۶ به تعریف و بیان عناصر جرم پولشویی پرداخته است و عیناً مانند کنوانسیون وین، به علم مرتکب اشاره کرده و این که عمد را باید در آن مستتر دانست؛ در موارد فوق بیان داشته که در مواردی علم و عمد مرتکب را از شرایط و اوضاع و احوال می توان استنباط نمود.

ب. در قوانین داخلی

ماده‌ی ۲ قانون پولشویی به تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱۷ آمده است: «با علم به این که...» پس عنصر روانی این جرم در قوانین داخلی صرفاً علم می باشد و هیچ گونه توسعه‌ای نیز برای آن قایل نشده است.

مبانی حرمت و جرم‌انگاری پولشویی در فقه جزایی

جرم‌انگاری پولشویی تحت عناوین فقهی

ابتدا باید به این مسأله رسیدگی نمود که آیا در متون فقهی، این عمل دارای عنوان خاصی می‌باشد یا خیر، چه پاسخ مثبت باشد یا منفی، هم عنوان و هم ادله بررسی می‌گردد.

جرم‌انگاری پولشویی به عنوان یک جرم فقهی مستقل

برای وضع قانون در حکومتی که منبع اساسی و رسمی آن شریعت است، باید به متون رسمی آن شریعت مراجعه نمود تا این قانون مخالف آن منابع نباشد. (قانون اساسی ج. ۱. ا. اصل ۵ و ۷۲)

درباره پولشویی یا تطهیر درآمدهای ناشی از جرم، در کتاب و سنت، آیه یا روایتی که به طور مستقیم دال بر حرمت این جرم باشد، مثل آن چه که برای جرایم معروف اعم از حدود، قصاص و دیات و تعزیرات پیش‌بینی شده، یافت نمی‌شود.

ولی با دقت و توجه در بعضی از فرازهای تاریخ اسلام، خصوصاً روایه‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌توان شمایی از مبارزه با تطهیر درآمدهای نامشروع یافت که به دو نمونه‌ی ذیل اشاره می‌گردد:

۱. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه در مورد اموالی که از بیت‌المال به صورت نامشروع در زمان عثمان، به صورت هبه و امثال آن به غارت رفته بود، می‌فرماید:

«در مورد زمین‌هایی که عثمان بخشیده بود، سوگند به خدا اگر بخشیده‌ی عثمان را بیابم به مالک آن بازگردانم، اگر چه از آن، زن‌ها را شوهر داده و کنیزان خریداری شده باشند؛ زیرا در عدل و دوستی (برای مردم در امر دین و دنیا) وسعت و گشایش است و بر کسی که عدل و دوستی تنگ گردد (و از رفتار برطبق آن عاجز شود) به طریق اولی جور و ستم بر او تنگ‌تر شود». (فیض الاسلام، بی تا، خطبه‌ی ۱۵، ص ۶۶)

در این جا اگر تصاحب و تملک بدون استحقاق اموال بیت‌المال را به عنوان جرم مقدمی در نظر بگیریم، به جریان انداختن این اموال کثیف در کانال‌های مشروع مثل قرارداد آن به عنوان مهریه‌ی زنان و اعمال دیگری از این قبیل، مصداق بارز و آشکار تطهیر درآمدهای نامشروع است و باید این اموال به بیت‌المال بازگردانده شود. (حیدری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸)

۲. حضرت علی علیه السلام در جایی دیگر در مورد زمین‌هایی که عثمان به دیگران بخشیده می‌فرماید: «ألا إن كل قطعة أقطعها عثمان، و كل ما أعطاه من بيت المال، فهو مردود فی بیت المال، فان حقّ القديم لا يبطله شیء؛ آگاه باشید! هر قطعه زمینی که عثمان آن را از اصلش جدا کرده و هر آنچه که از بیت‌المال بخشیده، به بیت‌المال بازمی‌گردد؛ زیرا حق قدیم و گذشته را چیزی باطل نمی‌کند». (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۲۶)

محل نزاع در این فراز از نهج البلاغه کلمه «اقطعها» می‌باشد. المنجد (لویس مألوف، ۱۹۷۳، کلمه‌ی قطع) معنای «اقطع» را فصل و جدا سازی دانسته است. تقریباً به معنای ثلاثی مجرد آن در قرآن آمده است: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا».

(مائده/۳۸)

اگر «اقطع» به معنای فصل و جداسازی باشد، باید بین دو چیز جدایی و فاصله افتاده باشد که جدا شده را مقطوع و اصل را مقطوع منه می گویند. در عبارت حضرت علی علیه السلام مقطوع زمین و مقطوع منه بیت المال است. در این جا قطعاً مراد از جداسازی، جداسازی فیزیکی نیست؛ زیرا نمی شود زمین را مثل دست از اصل خود جدا کرد، پس مراد از قطع، قطع معنوی و جداسازی معنوی است؛ یعنی بیت المال را از حالت بیت المال خارج کردن و به شکل دیگری در آوردن است.

پس از توضیح فوق، کاملاً واضح است که کلمات نورانی حضرت علی علیه السلام در این فراز می تواند، مظاهری از پولشویی و مبارزه با آن در فقه و متون اسلامی باشد.

پس از توضیحات فوق باید این نکته را متذکر شد که شاید نتوان عنوان مستقلاً برای پولشویی در عناوین ممنوعه شرعی یافت؛ ولی اسلام دینی است برای تمام دورانها تا قیامت و دینی است کامل و جامع، لذا عموماً در متون فقهی یافت می شود که این عمل براساس آن عموماً، جرم محسوب شده که ذیلاً به آن عناوین و عموماً می پردازیم:

الف. افساد فی الارض

به نظر می رسد، موضع حقوق اسلامی در قبال جرم پولشویی به عنوان یکی از جرایم سازمان یافته را می توان در قالب برخورد اسلام با جرم افساد فی الارض و براساس نظریه‌ی مصلحت، بررسی کرد.

بنابراین آن چه که می تواند ملاک و مستند جرم‌انگاری آن گردد و مرتکبین این جرم را قابل مجازات سازد، آیه‌ی محاربه و افساد فی الارض می باشد.

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کسانی که با خدا و رسولش به ستیزه برمی خیزند و در زمین افساد می کنند، مجازات‌های قتل و به صلیب آویخته شدن و قطع دست و پا به صورت مخالف و نفی و تبعید را متحمل خواهند شد. (مائده/۳۳)

محل استدلال در آیه‌ی فوق فراز «يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» می باشد. در ارتباط با دلالت آیه‌ی شریفه در فراز فوق با توجه به کلمات علما و فتاوی آنان، سه نظریه‌ی متفاوت را می توان برداشت نمود (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۲ و ۹) که:

اصلاح اقوال: عطف میان دو عبارت، عطف عام بر خاص می باشد و موضوع تنها یک چیز است که عبارت است از «افساد فی الارض» و محاربه، تنها یکی از مصادیق این موضوع است و علت اختصاص به ذکر محاربه و خامت این جرم است و علت تامه برای ترتب انواع مجازات‌ها، افساد فی الارض است. (محقق اردبیل، ۱۳۸۷، ص ۸۳۴؛ عمیرات، بی تا، ج ۱ و ۲، ص ۱۸۸؛ سائیس، بی تا، ج ۱، ص ۵۸۵)

چراکه براساس آیات و روایات، اصولاً هدف از مجازات، قطع و ریشه کنی ماده‌ی فساد است. بنابراین اگر محاربه موجب یکی از انواع چهارگانه‌ی مجازات است، به خاطر دهشتناکی و فسادانگیز بودن آن است و اسلام هر جا که فساد به این حد برسد، مجازات قتل برای آن در نظر گرفته است؛ لکن گاهی از باب حدود است و گاهی در اختیار حاکم است از باب

تعزیرات یا احکام سلطانیه. پس اگر عنوان، افساد باشد ولی شرایط محارب را نداشته باشد، مثلاً بدون سلاح مردم را بترساند، باز هم می‌تواند موجب قتل باشد از باب احکام سلطانیه و از دیگر سو، می‌تواند افساد باشد، ولی حکم آن قتل نباشد، آن هم از باب احکام سلطانیه.

سؤال: آن‌چه از آیه‌ی ۳۲ و ۳۳ سوره‌ی مائده برمی‌آید این است که مفسد فی الارض از باب افسادش مستوجب قتل است حداً، در حالی که در مورد پولشویی اگر افساد فی الارض است چرا مجازات آن قتل نیست؟

در جواب این سؤال باید چنین گفت: با توجه به قول اصح که بیان داشت: «افساد فی الارض» اعم از «محاربه» است و محاربه یکی از مصادیق آن است، لذا افساد فی الارض دارای مصادیقی به غیر از محاربه می‌باشد که براساس آیه‌ی ۳۲، مرتکب آن مستحق قتل است، حداً؛ ولی اگر فساد جرم به قدری نباشد که مرتکب آن مستحق قتل باشد و با توجه به این که گفته شد تحریم پولشویی از باب احکام ثانویه است که قید اضطرار در آن اخذ شده است، لذا در این مورد با توجه به هدف اسلام از مجازات که قلع ماده‌ی فساد می‌باشد و با توجه به عنصر مصلحت، از باب اضطرار و اختیار حاکم اسلامی برای وضع مجازات‌های بازدارنده از باب احکام سلطانیه، می‌توان این شخص را براساس میزان فساد که انجام داده است، مجازات کرد. لازم به ذکر است، اگرچه معمولاً برای افساد فی الارض قتل و غارت را مثال می‌زنند، لکن پس از دقت و امعان نظر در آیات و روایات و کتب فقهی موارد متعددی یافت می‌شود که اولاً: فقهاء آن را از مصادیق افساد فی الارض شمرده‌اند و ثانیاً: مجازات‌های دیگری غیر از آنچه از آیه شریفه پیش‌بینی شده است را برای آنها در نظر گرفته‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. آدم‌ربایی (حیب‌زاده، ۱۳۷۹، به نقل از تهذیب الاحکام)

۲. موارد دیگر

افراط و اعتیاد به کشتن اهل ذمه و بندگان؛ مجازات آن قتل از باب افساد فی الارض است. مجازات در نظر گرفته شده برای کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری و محتال (کسی که از طریق حيله و تقلب و مانند آن دیگری را بفریبد و مال او را ببرد) و مبتج (کسی که از طریق خوراندن بنگ و شوکران... و تغییر در عقل دیگری مال او را برباید...)، به استناد افساد فی الارض می‌باشد. (همان، صص ۱۶۰ و ۱۶۱ به نقل از کتب فقهاء)

علاوه بر افساد فی الارض موارد ذیل نیز می‌تواند مبنای جرم‌انگاری پولشویی قرار گیرد که به جهت رعایت اختصار به ذکر عناوین بسنده می‌کنیم:

ب. ممنوعیت اکل مال به باطل ج. حرمت اعانه بر اثم د. ضمان ایادی متعاقبه بر مال مغضوب هـ. مصلحت جامعه اسلامی

پولشویی و قواعد فقهی

با دقت و امعان نظر در قوانین پولشویی در می‌یابیم که در بعضی موارد، با اصول و قواعد مسلم فقهی و حقوقی ذیل در تعارض بوده و نیاز به بررسی و حل این تعارضات دارد که ما در این بخش سعی در حل این تعارضات داریم.

۱. قاعده‌ی لاضرر

در معنای این قاعده نفی حکم ضرری از سوی شارع اشهر اقوال است و بنابر این قول، معنای حدیث چنین می‌شود: هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان‌آور باشد بر مکلف یا غیر او، ضرر مالی یا غیرمالی، حکم یاد شده به استناد قاعده‌ی لاضرر برداشته می‌شود براساس این قاعده قوانین پولشویی مضر به حال اشخاص بی‌اثر خواهد بود.

پس بین ضرر جرم پولشویی بر جامعه و ضرر قوانین پولشویی بر اشخاص تعارض می‌باشد:

«شیخ احمد الرزقا» در تعارض بین ضررین که یکی اهم و دیگری مهم باشد به سه راه حل عقلی اشاره می‌کند:

۱. «یتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام» ضرر خاص که نسبت به یک شخصی است، برای دفع ضرری که نسبت به افراد بیشتری است تحمل می‌گردد.

۲. «الضرر الأشدّ یزال بالضرر الأخفّ» ضرر شدیدتر با ضرر خفیف‌تر دفع می‌شود.

۳. «اذا تعارض المفسدتان روعی أعظمهما ضرراً» بنابر این به خاطر نفی ضرر از جامعه‌ی اسلامی، ایراد مقداری ضرر بر اشخاص بلاشکال می‌باشد. اگر دو ضرر با هم تعارض کردند، ضرر بزرگ‌تر دفع می‌شود. (الرزقا، ۲۰۰۱، ص ۱۹۷-۲۰۱)

۲. قاعده‌ی ید

گرچه در مدلول این قاعده اختلاف است، ولی آنچه برای ما مهم است، محل اتفاق است. همین قدر که ید اماره‌ی ملکیت باشد در مورد اموال ذی‌الید کفایت می‌کند.

بر اساس قواعد و قوانین مبارزه با پولشویی در مواردی، این قاعده متفق علیها نقض می‌گردد و به آن اعتنا نمی‌شود. از آن جمله، اصل شناسایی مشتری یا گزارش وجوه نقدی ارائه شده یا مشکوک خواندن بعضی فعالیت‌های اقتصادی بانکی (باقرزاده، ۱۳۸۳، ص ۳۳) و اعمال اصل از کجا آورده‌ای.

در موارد فوق‌الذکر، به جای این که ما حکم به ملکیت ما فی‌الید را برای ذی‌الید اجرا کنیم و اصل اولی را بر مالکیت او قرار دهیم، اقدام به تحقیق و تفحص نموده تا برای ملکیت یا عدم آن دلیل یا اماره‌ای متقن بیابیم. این تعارض به دو گونه قابل حل می‌باشد:

۱. یکی از مطالبی که در مورد این قاعده گفته شده، این است که حجیت این قاعده، مثل قطع ذاتی نیست و حداکثر چیزی که این قاعده، دلالت دارد، ظن نوعی به ملکیت است و ظن به تنهایی حجت می‌باشد و واضح است که ظن به ملکیت مانع این نیست که ذی‌الید، غاصب باشد یا امین، لذا در این صورت اگر ظنی اقوی برخلاف آمد، می‌شود این ظن را ترک نمود.

۲. یکی از مبانی جرم‌انگاری پولشویی که سابقاً نیز ذکر شد، مصلحت نظام اسلامی بود؛ بنابراین با توجه به ضررهای بسیار عظیم این فرایند و لزوم پیشگیری از آن در راستای حفظ نظام و جامعه، جرم‌انگاری شده است و بر همین اساس، با توجه به اقتضا مصلحت جامعه‌ی اسلامی در جرم‌انگاری این فرآیند، و اهم بودن مصلحت جامعه و نظام بر مصلحت اشخاص و برای حفظ این ارزش‌های اهم، از اماره‌ی ید چشم‌پوشی نموده و اقدام به بررسی و گزارش موارد مشکوک می‌کنیم.

۳. قاعده‌ی سوق

بنا بر مدلول موسع این قاعده علاوه بر اثبات تذکیه مثل قاعده‌ی ید، اثبات ملکیت هم می‌کند. کما این که گفته شد، بر اساس این قاعده، اگر در بازار مسلمین، اعم از بازار معاملات نقدی، بازار بورس و مؤسسات مالی و غیره، معاملات و نقل انتقالاتی انجام گرفت، اصل بر این است که چون در بازار مسلمین است، مجموع این فرایندها شرعی و صحیح می‌باشد و معتبر است و تحقیق و جستجو از منشأ و منبع آن اموال و مالکیت آن‌ها لازم نیست و ممنوع نبودن برخی از مبادلات، به صرف احتمال این که این اموال از جرم مقدمی ناشی شده باشد، باعث بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی بازار مسلمین و در نتیجه رکود اقتصادی آن می‌گردد. (حیدری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷ به نقل از قواعد فقه ابوالحسن محمدی ص ۲۴۰؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۲)

در عرض این قاعده و یا در مقابل آن، در قوانین مبارزه با پولشویی، در موارد بسیاری بحث از شناسایی مشتری و کسانی که به مؤسسات مالی مراجعه می‌کنند و بررسی و گزارش موارد مشکوک، می‌شود و موارد فوق را از مصادیق معاملات مشکوک دانسته‌اند در حالی که، بر اساس این قاعده محکوم به صحت هستند.

برای حل این تعارض باز هم به مبانی جرم‌انگاری پولشویی برمی‌گردیم که با دو بیان فوق این تعارض را می‌توان حل نمود.

۴. قاعده‌ی صحت فعل غیر

چهارمین قاعده‌ی فقهی که با قواعد پولشویی در تعارض است، قاعده‌ی صحت فعل غیر است که ذیلاً بررسی می‌گردد. با توجه به این که عمده‌ی ادله‌ی قائلین به اصالة الصحة، سیره و برخی از روایات می‌باشد، می‌توان موارد ذیل را از اصالة الصحة استنتاج نمود:

۱. وجوب عدم اتهام مسلمان مؤمن
 ۲. عدم سوءظن به برادر مسلمان... (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱ و ۳، ص ۲۹۸ و ۲۸۸)
- این نکته نیز گفتنی است که، مراد از صحت، صحت واقعه است تا موجب اثر در نزد سایر مکلفین باشد نه صحت به اعتقاد فاعل (کسی که اصالة الصحة جاری می‌کند) یا حامل (کسی که اصالة الصحة در مورد او جاری می‌شود).
- بر اساس آنچه از مدرک قاعده که عمده‌ی آن بناء و سیره‌ی عقلاء بود، استخراج می‌گردد و آنچه که از مدلول قاعده مستفاد است، باید کلیه‌ی مبادلات و نقل و انتقالات و فعالیت‌های مالی و تجاری اشخاص در هر زمانی و مکانی بر صحت و مشروعیت حمل گردد و نباید جز مواردی که دلایل کافی و قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد در مورد منبع، ماهیت و دیگر او صاف اموال مورد معامله، تفحص و جستجو نمود، لذا در صورت وجود احتمال فساد و عدم مشروعیت معاملات و نقل و انتقالات، اشخاص مظنون از حمایت این اصل برخوردارند.
- از سوی دیگر، فزاهایی از قانون پولشویی به شدت به این اصل صدمه می‌زند و اعتبار آن را در عمل خدشه‌دار می‌کند، از آن جمله به مشکوک خواندن بعضی از معاملات که به حسب ظاهر مباح می‌باشد؛ می‌توان اشاره کرد.

با توجه به توضیحاتی که در مورد حل تعارض قواعد سابق با قوانین پولشویی بیان گردید، حل تعارض بین این قاعده با قواعد پولشویی مشخص می‌گردد؛ زیرا در این جا نیز از باب احکام ثانویه و به جهت ترجیح مصلحت جامعه‌ی اسلامی بر مصلحت اشخاص و به صلاح‌دید ولی فقیه جامعه‌ی اسلامی در مواردی از اعتبار این قاعده چشم‌پوشی می‌کنیم.

۵. قاعده‌ی تسلیط

آخرین قاعده‌ای که باید مورد بررسی قرار گیرد این قاعده است. در مدلول قاعده چند احتمال است که دو احتمال آن محل بحث است: آن‌چه از روایات و منطق فهمیده می‌شود این است که این قواعد مشرع نبوده و حوزه‌ی کاربرد آن در حدود و چهارچوب شرع می‌باشد، لذا قول صحیح دلالت بر این دارد که: مالک حق دارد صرفاً تصرفات شرعی را در مال خود انجام دهد و از دیگر سو، در بسیاری از موارد در قرآن و یا روایات می‌بینیم که مالک را از بعضی از تصرفات منع نموده‌است؛ از جمله منع از اسراف و تبذیر (رک. اسراء/ ۲۶ و ۲۷) یا این که مالک حق تصرف در مال غیر مخمس را ندارد یا ممنوعیت صرف اموال در راه حرام و امثال آن که همه‌ی این‌ها مؤید و مدلول مضیق این قاعده است. (ایروانی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۴)

براساس مدلول مضیق این قاعده، مشتری حق دارد هر گونه تصرف مشروع و قانونی را در ملک خود انجام دهد و از حمایت کامل این قاعده برخوردار است. مالک می‌تواند وجوه نقدی و یا حواله را به هر جای دنیا و به هر مبلغی ارسال نماید، چک با مبلغ بالا صادر کند و نقل و انتقالات متعدد انجام دهد، حساب خود را به صورت دفعی فعال یا غیرفعال نماید و به استناد این اصل و مباح بودن این اعمال، مورد هیچ گونه تعرضی هم قرار نگیرد.

در عین این که موارد فوق برگرفته از قواعد و قوانین منع پولشویی می‌باشد و معارض و منافی قاعده‌ی فوق است، ولی به استناد مصلحت جامعه‌ی اسلامی و ضرورت جرم‌انگاری این جرم به خاطر تبعات و مضرات منفی آن، این تعارض حل شده و این فرآیند جرم‌انگاری می‌گردد.

اصول مخدوش در روند جرم‌انگاری پولشویی

۱. اصل براءت

یکی از اصول مخدوش در روند جرم‌انگاری فرآیند پولشویی، اصل مترقی براءت است به موازات این که اصل اولی در مورد افراد براءت است، اصل در اعمال هم اباحه می‌باشد.

بر این اساس بسیاری از اعمالی که ما آن‌ها را در راستای پولشویی و سفیدنمایی اموال ناشی از جرایم مقدم می‌دانیم، از جمله فعالیت‌های عادی و روزمره‌ای هستند که در اوضاع و احوال مادی نه تنها خلاف قانون محسوب نمی‌شوند، بلکه فعالیت‌هایی در راستای پیشرفت مالی و اقتصادی به حساب می‌آیند؛ مثل واریز وجوه نقدی به حساب و برداشت سریع آن، فعال کردن حساب غیرفعال، حواله‌ی پی‌درپی پول به نقاط مختلف، تأسیس شرکت‌های تجاری، واردات کالای ارزان... که در حالت عادی امری مباح و بلکه دارای ارزش می‌باشند.

در پاسخ باید بیان داشت که اصل برائت تا وقتی قابل استناد است که معارضی اقوی از خود نداشته باشد؛ در حالی که در تمام موارد فوق الذکر و موارد مشابه، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و امکان انجام این اعمال به صورتی عادی تر و راحت تر و از دیگر سو، این عمل که از نیت سوء مجریان آن حکایت دارد؛ لذا اصل برائت با توجه به شواهد و قرائن و تحلیل آن‌ها از بین رفته و با توجه به اماره‌های موجود، اصل مجرمیت جای‌گزین آن می‌گردد.

علاوه بر آنچه گفته شد، این‌جا نیز مصلحت جامعه‌ی اسلامی و ضرورت جرم‌انگاری پولشویی قابل طرح می‌باشد.

۲. ممنوعیت تجاوز به حریم خصوصی اشخاص

با توجه به اصل برائت و آیه‌ی قرآن که فرموده: «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات/۱۲) تجسس در امور دیگران حرام است و انسان نمی‌تواند به علل واهی در امور شخصی دیگران مذاقه و تفحص نماید و حریم خصوصی اشخاص مصون از تعرض است و حق خلوت دیگران محترم می‌باشد.

در تفسیر این آیه، روایاتی وارد شده است که در عین این که حریم خصوصی اشخاص را به رسمیت شناخته و آن را از تعرض مصون دانسته، بیان داشته است: هر کس نقاط ضعف دیگران را حفظ کند تا عنداللزوم او را سرزنش کند یا سر او را افشاء نماید، خداوند او را مفتضح خواهد کرد (مشهدی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۶۰۸)

وقتی مضامین این احادیث را در کنار قواعد و قوانین پولشویی قرار می‌دهیم تعارض بین آن‌ها آشکار می‌شود؛ زیرا بر اساس قواعد و قوانین مبارزه با پولشویی، اسرار مالی اشخاص در بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد تجسس قرار می‌گیرد. علاوه بر اسرار مالی، اعمال مباحه‌ی آن‌ها مورد مذاقه و تجسس قرار گرفته و معاملات آن‌ها مشکوک خوانده می‌شود.

ولی با توجه به آنچه که در مباحث سابق توضیح داده شد که عبارت بود از مصلحت جامعه‌ی اسلامی و ضرورت جرم‌انگاری این فرآیند برای جامعه، این تعارض از بین می‌رود.

جرم پولشویی در قانون مبارزه با پولشویی

بررسی آخرین اصلاحیه‌ی قانون مبارزه با پولشویی

قانون فوق پس از عودت از شورای نگهبان، اصلاح و در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱۷ به تصویب رسیده و تقدیم مجلس گردیده است.

با توجه به این که، شکل‌گیری قانون پولشویی در ایران، بر اساس الزامات بین‌المللی می‌باشد، لذا در بررسی قانون و اصلاحیه‌ی اخیر، نقص‌ها و کاستی‌های آن را نسبت به قانون نمونه‌ی سازمان ملل و قوانین و قواعد عمومی حقوق، بررسی خواهیم نمود که عبارتند از:

۱. اولین اشکال وارد بر این قانون، عنوان این قانون است که در ماده‌ی ۳ این قانون هم تبلور پیدا می‌کند؛ زیرا هدف از مبارزه با پولشویی جلوگیری از شستشوی عواید حاصل از جرایم منشأ می‌باشد نه صرفاً اموال حاصل از جرایم منشأ. بر همین

اساس، بهتر بود مقنن به جای واژه‌ی پولشویی برای این قانون، عنوان پیشنهادی «قانون مبارزه با عواید حاصل از جرایم مهم» را بر می‌گزید.

۲. ماده‌ی ۱ اصلاحی جدید بیان داشته‌است که: اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت است، مگر آن که براساس مفاد این قانون خلاف آن ثابت گردد. این اصل اولی و مسلم نیاز به ذکر نداشت.

۳. ماده‌ی ۲، که مشتمل بر تعریف پولشویی می‌باشد، در عین این که مقنن سعی داشته تعریفی جامع و مانع ارائه‌دهد، ولی در عمل چنین اتفاقی نیفتاده‌است.

نکته‌ای که در این تعریف مبهم است، این که هر سه بند، پولشویی را تشکیل می‌دهند یا هر بند به تنهایی. آن‌چه از فحوی بند یک به دست می‌آید این است که هر بند و بعضاً هر کلمه، خود به تنهایی مصداقی از پولشویی می‌باشد؛ اگر چنین باشد، باز هم تعریف دارای ابهام و اجمال است؛ زیرا در بند الف آمده‌است:

الف: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که... تحصیل و تملک و... چگونه پولشویی را تشکیل می‌دهند؟ آیا مراد در این جا جرم منشأ است؟ آیا صرف گرفتن رشوه پولشویی است یا جزئی از آن؟ آیا صرف تحصیل و تملک و نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از جرم، پولشویی می‌باشد؟ اگر صرف این اعمال پولشویی باشد، پس کسی که ساندویچی را می‌دزدد و شروع به خوردن آن می‌کند مشمول این بند است؛ زیرا با علم به این که عواید حاصل از جرم است، آن را مورد استفاده قرار داده‌است. سابقاً در بررسی تعریف پولشویی، فرق بین مفردات تعریف پولشویی که در اسناد بین‌المللی آمده‌است را بیان کردیم، ولی این ماده کمی متفاوت است با آن‌چه در بند ب آمده‌است:

«... و یا کمک به مرتکب، به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب جرم نگردد». این فراز، از این جهت مبهم است که منظور از کمک معاونت است یا مشارکت و در هر صورت، آیا مراد قانون‌گذار این است که معاون و شریک مثل مباشر است؟ حال مثل مباشر بودن در تعریف است یا در مجازات؟ با توجه به این که در مبحث «تعریف»، مفردات این تعریف بررسی شده‌است، لذا برای جلوگیری از اطناب، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

با توجه به این که قانون در صدد ارائه‌ی تعریف جامع و مانع می‌باشد، برای جلوگیری از تفاسیر متفاوت شایسته بود مقنن در تعریف پولشویی «به هر وسیله‌ای» را اضافه می‌نمود تا جلوی تفاسیر مختلف را بگیرد.

و دیگر این که این قانون و تعریف، به خصیصه‌ی سازمان‌یافتگی و فراملی بودن پولشویی توجه نداشته‌است و پولشویی را یک جرم مالی تلقی نموده، در حالی که پولشویی یک جرم کلان و اقتصادی است.

مقنن در این قانون، منظور از جرم منشأ را بیان ننموده و این باعث آن گردیده‌است که جایگاه این قانون با ماده‌ی ۶۶۲ ق.م.ا. مشخص نباشد.

سزاوار بود که مقنن بیان می‌داشت که مراد از جرایمی که این اموال از آن‌ها به دست آمده، جرایم مهم و خاصی است و به اطلاق جرم بسنده نمی‌کرد.

ماده‌ی ۳ این قانون، مراد از عواید حاصل از جرم را که دارای معنای عامی است، صرفاً مال دانسته و راه مفر نیکویی را برای مرتکبین به جا گذاشته است. برخلاف قانون نمونه‌ی مبارزه با پولشویی و نیز در کنوانسیون پالمو، اموال در معنای موسع خود به کار رفته است.

پس طبق تعریف فوق برای مال، اگر عواید حاصل از جرم را صرفاً هر نوع مالی بدانیم که از فعالیت‌های مجرمانه حاصل می‌گردد، دیگر موارد ذیل را شامل نمی‌شود:

۱. سرقتی چون ذاتاً قابل نقل و انتقال نیست، لذا مال نمی‌باشد.

۲. امتیازات مالی مثل امتیاز یک مرغداری.

۳. اسناد و اوراقی را که حاکی از مال هستند، نه این که ذاتاً مال باشند مثل اوراق قرضه، سهام شرکت‌ها... .

۴. بسیاری از حقوق که مالیت ندارند را هم شامل نمی‌شود.

بر همین اساس، مقنن خواسته یا ناخواسته مفردی را برای مرتکبین پیش‌بینی کرده که بتوانند هم از جرم منفعت ببرند و هم از چنگال قانون بگریزند.

قبل از ادامه‌ی بحث، باید این نکته بیان گردد که قانون باید دارای یک نسق و وحدت و ترتیب در مباحث باشد. قانون نمونه که از پنج بخش تشکیل شده، می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد که مقنن در قانون خود از این نسق پیروی نکرده است. اکنون با توجه به تعریف ماده‌ی ۳ همان‌طور که تذکر داده شد، معلوم نیست که جایگاه ماده ۶۶۲ ق.م.ا با این ماده چیست؟ آیا با آمدن این قانون، آن ماده نسخ می‌گردد یا این قانون با آن ماده تخصیص می‌خورد. از دیگر سو، مبارزه با پولشویی در راستای مبارزه با جرایم مهم است که به آن جرم منشأ می‌گویند که مقنن این نکات را مبهم گذاشته است.

شایسته بود که مقنن با پیروی از قانون نمونه یا کنوانسیون پالمو ماده‌ی ۳ را به تبیین اصطلاحات اختصاص می‌داد؛ زیرا در این قانون اصطلاحاتی وجود دارد که مفهوم آن مشخص نیست از جمله جرم منشأ، معاملات مشکوک.

ماده‌ی ۴: این قانون به معرفی تشکیلات مبارزه با پولشویی پرداخته و برای آن مرجع وظایفی را در نظر گرفته است.

بند الف این ماده بیان می‌دارد: «تدوین و تعریف آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون» این جمله بسیار مبهم است، بسیاری از خلأهای این قانون با آیین‌نامه قابل حل نمی‌باشد و نیاز به قانون دارد. به عنوان مثال، مشاغل و حرف مشمول این قانون، سقف مجاز استفاده از پول نقد، شرایط نقل و انتقالات بین‌المللی و اوراق بهادار، حدود و ثغور شناسایی و چگونگی آن در اشخاص حقیقی و حقوقی، چگونگی تبادل اطلاعات، چگونگی معاملات خارج بورس، موارد توقف و انسداد معاملات و مبادلات و حساب‌ها، اقدامات پس از گزارش موارد مشکوک، مصونیت افراد پس از گزارش‌دهی با حسن‌نیت، مصون‌بودن اموال اشخاص ثالث، مصون‌بودن اموال مخلوط با اموال مجرمانه و چگونگی تفکیک آن‌ها، گزارش‌دهی با سوءنیت، شیوه‌های تجسس، چگونگی برخورد با رازداری بانکی، ضبط موقت اموال، شرایط تشدید مجازات، چگونگی مجازات اشخاص حقوقی دخیل در پولشویی و بسیاری دیگر از این نوع موارد را دربردارد.

شاید بعضی از آن‌ها را بتوان با آیین‌نامه حل کرد، ولی حکمت مقنن اقتضای کرد برای دوری از هرگونه توجیه و تبدیل آیین‌نامه‌ها، بسیاری از این موارد را در قانون احصاء می‌نمود.

در بند «ب» ماده‌ی ۴ آمده است: از جمله وظایف شورای عالی مبارزه با پولشویی «تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی...»؛ تدوین سیاست امر کلانی است که نیاز به قانون دارد، گرچه تدوین برنامه‌ی آموزشی با تصویب هیئت دولت و آیین‌نامه امکان‌پذیر است، ولی تدوین سیاست چنین نیست.

اشکال دیگری که به ماده‌ی ۴ وارد است این که، این ماده بسیاری از خلأهای یک قانون جزایی را که با جان و مال مردم سروکار دارد و جبران آن را، در اختیار یک مقام اجرایی قرار داده است نه قضایی، چه بسا که به علت عدم آشنایی با حقوق اولیه‌ی بشری، آیین‌نامه‌هایی وضع گردد که اختلال در امور را در پی داشته باشد و یا حتی به اصل تفکیک قوا لطمه وارد کند. مقنن، ماده‌ی ۳ را که فوقاً اشاره شد، اصلاح کرد. ماده‌ی جدید چنین بیان می‌دارد: «... وظایف، تشکیلات و اختیارات شورا توسط شورا تعیین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد».

اشکال اصلاحی ماده‌ی فوق از اصل آن بیشتر است؛ زیرا: اولاً: عقل حکم می‌کند، اصلاح درصدد واضح نمودن و شایستگی باشد که متأسفانه، مقنن با جملات فوق، ابهام بسیار زیادی را ایجاد نموده است.

و ثانیاً: مقنن، به خود این شورا اختیار داده است که وظایف، اختیارات و تشکیلات خود را تعیین کند... و این خلاف رویه‌ی معمول است؛ چه بسا این تفویض، موجبات سوءاستفاده بسیاری را فراهم سازد.

ماده‌ی ۵ در مقام احصاء مؤسسات دخیل در پولشویی و الزام آنان به اجرای این قانون می‌باشد که ماده‌ی مناسبی است. ماده‌ی ۶ دارای ابهام است: «حسب درخواست شورای عالی...»، حسب درخواست یعنی چه؟ شورایی که خود، وظایف و اختیارات خود را تعریف می‌کند، حسب درخواست در مورد او چه مطلبی را می‌رساند؟ این جمله دارای ابهام است. در ماده‌ی ۷، بسیاری از مواردی که در آن آمده، نیاز به تبیین دارد و مجمل است و اجمال آن با آیین‌نامه رفع نمی‌شود که سابقاً اشاره شد.

ماده‌ی ۹: در این ماده مقنن درصدد بیان میزان مجازات مرتکب می‌باشد که در این ماده نیز مقنن به خطا رفته است. اولاً: الف: در این ماده آمده، مرتکب جرم پولشویی علاوه بر استرداد در آمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم... به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شود.

متن این ماده با متن مواد ۲ و ۳ در تضاد است، یا بهتر بگوییم همخوانی ندارد. در ماده‌ی ۲ صحبت از عواید حاصل از جرم بوده و ماده‌ی ۳ این عواید را به هر نوع مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد تفسیر کرده است، ولی در این ماده‌ی، مقنن اصطلاح جدیدی را به کار برده که معلوم نیست مراد وی چیست و آن کلمه‌ی «درآمد» است که مواد را دچار اجمال و ابهام می‌کند. بنابراین بجا بود که مقنن به عواید حاصل از جرم اکتفا می‌نمود.

و ثانیاً: با توجه به تفسیر مقنن در ماده‌ی ۳ از عواید، به اموالی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت مجرمانه به دست آمده، نیازی به ذکر جمله «مشمول بر اصل و منافع» نبوده؛ چراکه این جمله تفسیر عواید مستقیم و غیرمستقیم است. ب: این ماده برای مرتکب جرم پولشویی جزای نقدی معادل یک چهارم عواید حاصل از جرم را در نظر گرفته است.

وقتی به کنوانسیون پالمو و موارد مشابه آن مراجعه می‌کنیم، برای جرایم مشمول این کنوانسیون اصطلاحاتی به کار برده که هر یک بیانگر خصوصیات این جرم می‌باشد از جمله، جرم سازمان یافته‌ی فراملی، جرم شدید، راه کارهای کشف این جرایم. این عبارات و اصطلاحات حاکی از وخامت جرم پولشویی و تأثیرات مخرب آن است که باعث شده در سطح بین‌المللی چنین توصیف شود، حتی در تبیین جرم شدید چنین آمده است: جرم شدید، جرمی است که مجازات آن سلب آزادی حداقل چهار سال یا بیشتر می‌باشد.

با توجه به موارد فوق، مقنن ما مجازات جرم پولشویی را با آن همه پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، حتی کمتر از جرم کلاهبرداری قرارداد و تناسب بین جرم و مجازات را رعایت ننموده است.

ج: در ماده‌ی ۲، قانونگذار اسمی از «کمک که شامل معاون و شریک نیز می‌شود به میان نیاورده، ولی در ماده‌ی ۹، در عین این که باز هم مقنن اسمی از شریک و معاون به میان نیاورده، اما با ذکر عنوان «مرتکبین» گویا در صدد این بوده که مجازات شریک و معاون و مباشر را که همه دخیل در امر پولشویی هستند یکسان تعیین نماید.

ولی اشکال این نظریه این است که باز هم در این فراز به یکی از خصوصیات جرم پولشویی توجه نشده است؛ زیرا در جرایم عادی هر چه از مرکز جرم دورتر می‌شویم مسئولیت مجرمانه‌ی مرتکب به علت کم‌رنگ شدن میزان دخالت او در جرم، کمتر می‌گردد؛ ولی در جرم پولشویی هر چه از مرکز جرم دورتر می‌شویم، به طور طبیعی دخالت مجرمانه‌ی فرد در فرآیند پولشویی پررنگ‌تر می‌گردد و چه بسا که مباشر فرآیند پولشویی، یک پادوی عادی بوده که برای سران باند تبهکاری، عملیات پولشویی را انجام می‌داده است. بنابراین شایسته بود مقنن در این ماده‌ی و مواد سابق، در جاتی از عملیات پولشویی را می‌آورد تا بتواند پیشگیری مؤثری را از این جرم انجام دهد.

د: در مواد قبلی، مقنن اشخاص حقوقی را مکلف به رعایت قوانین پولشویی و مصوبات شورای عالی مبارزه با پولشویی نموده است، ولی با توجه به این که عمده‌ی ارتکاب جرم پولشویی، توسط مؤسسات مالی و اعتباری و اشخاص حقوقی انجام می‌گیرد، برای اشخاص حقوقی هیچ‌گونه مجازاتی در نظر نگرفته است.

ه: این جرم در زمره‌ی جرایم سازمان یافته‌ی فراملی است که کشف و تعقیب آن، نیازمند روش‌های خاصی است و این سختی در کشف تا جایی است که گاهی هزینه‌ی کشف جرم، بالاتر از درآمدهای حاصل از جرم می‌شود؛ لذا نیاز به روش‌های خاص و ایجاد محدودیت‌های خاصی از قبیل کنترل تلفن، ایمیل و امثال آن دارد؛ لذا از یک جهت، تسهیل در امر کشف و تعقیب و از دیگر سو، برای جلوگیری از خودسری و افراط و تفریط و حفظ حقوق شهروندی، شایسته بود که مقنن بعضی از راه کارهای کشف و تعقیب را در قانون ذکر می‌کرد.

و: ماده‌ی ۹، درباره‌ی اموال ناشی از جرم، حکم به استرداد نموده است در حالی که، این کلمه دارای اجمال و ابهام است و مراد از استرداد چیست؟ آیا مراد ضبط به نفع دولت است؟ یا بازگرداندن به صاحب آن؟

ز: این ماده‌ی اشاره‌ای به تعدد و تکرار جرم نکرده است و همچنین به موارد تشدید و تخفیف و تعلیق اشاره‌ای ندارد و اگر در این موارد، بخواهیم به مواد عمومی مراجعه کنیم، گاهی دچار ابهام و مشکل می‌شویم. مثلاً اگر یکی از قضات در امر پولشویی مداخله نماید، میزان تشدید با توجه به جریمه چقدر است؟

ح: اگر منظور از «کمک» در ماده‌ی ۲ را صرفاً مباشر و شریک بدانیم، معاون چگونه مجازات می‌شود، چون ماده‌ی ۷۲۶ با توجه به نوع مجازات در ماده‌ی ۹ قابل اعمال نمی‌باشد.
ت: مجازات شروع به جرم چگونه و به چه میزان است؟

چند مسأله:

حکم معاون و شریک در جرم پولشویی

در پاسخ به این سؤال باید بیان داشت با توجه به ذیل بند «ب» ماده‌ی ۲ که مقنن بیان داشته است: «... کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد» به صورت ذیل می‌توان نتیجه‌گیری کرد:
این قسمت از ماده‌ی ۱، مواد ۵۵۳ و ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی را تخصیص زده است؛ زیرا مفهوم این دو ماده‌ی، کمک به مرتکب است به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. و شاید بتوان گفت: کمک در این ماده‌ی غیر از ماده‌ی ۵۵۳ است؛ زیرا ماده‌ی ۵۵۳، اشاره به بعد از دستگیری متهم دارد، ولی فحوای این بند از قانون پولشویی، قبل از دستگیری است و این بند با ماده‌ی ۵۵۴ شباهت زیادی دارد و بین آنها تعارض است و شاید مراد مقنن این بوده که با ارتکاب جرم پولشویی و کمک به وی، این ماده‌ی حاکم است نه ماده‌ی ۵۵۴، ولی اشکال این تفسیر این است که مجازات این بند بسیار کمتر از ماده‌ی ۵۵۴ می‌باشد؛ زیرا ماده‌ی ۵۵۴، یک تا ۳ سال حبس را در نظر گرفته، ولی بند «ب» این قانون، اگر وی را مثل مباشر بدانیم، صرفاً جریمه نقدی می‌گردد و آن هم معادل یک چهارم مبلغ عواید حاصل از جرم که این مبلغ، برای مرتکب چنین جرمی با آن درآمدها، مبلغ زیادی نخواهد بود.
در هر صورت، می‌توان به اطلاق «کمک» در این بند استناد نمود و شریک و معاون را مثل مباشر در جرم پولشویی دانست، البته اگر بتوان برای کلمه‌ی «کمک کننده» چنین اطلاقی قایل شد.
ولی اگر «کمک کننده» در بند «ب» ماده‌ی ۲ را شریک دانستیم، برای کلمه‌ی معاون باید به ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات تمسک جست، اگرچه در مقام تعیین مجازات باز هم ابهام داریم.

پولشویی مرکب یا ساده

مرکب یا ساده بودن هر جرمی نسبت به عنصر مادی آن سنجیده می‌شود. در مورد جرم پولشویی دو تعریف متفاوت در کلمات حقوق دانان و مقنن دیده می‌شود. حقوق دانان، پولشویی را مرکب از سه مرحله دانسته‌اند: ۱. جای گذاری ۲. قانون چینی ۳. یک پارچه سازی. اگر به این مراحل در عنصر مادی جرم پولشویی توجه کنیم جرم پولشویی جرمی است مرکب ولی در قبال این تعریف از عنصر مادی جرم پولشویی، مقنن از کلمات کاملاً متفاوتی استفاده کرده است. در بند الف ماده‌ی ۲ قانون پولشویی مقنن چنین آورده است:

الف: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از...

ب: تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی...

ج: اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن...

قبل از این که تعریف مقنن از جرم پولشویی را مورد بررسی قرار دهیم باید به این سؤال پاسخ داده شود که سه بند فوق در بند ۲ قانون پولشویی مجموعاً جرم پولشویی را تشکیل می‌دهند یا این که هر بند و یا هر کلمه و اصطلاح به تنهایی مقوم و تشکیل دهنده جرم پولشویی می‌باشد؟

در جواب این سؤال باید گفت: با توجه به کیفیت چگونگی انشاء ماده‌ی، این مطلب به ذهن می‌رسد که هر بندی به تنهایی تشکیل دهنده جرم پولشویی می‌باشد؛ چرا که مقنن این ماده‌ی را این گونه انشاء نموده است:

ماده‌ی ۲: پولشویی عبارت است از... و بعد بند ۳ کاملاً مستقل پشت سر آن آورده شده است، از استقلال بندهای سه گانه و عدم ربط لفظی بین آن‌ها این مسأله برداشت می‌شود که هر بندی به تنهایی تشکیل دهنده جرم پولشویی می‌باشد. ولی با دقت نظر در بندهای سه گانه با توجه به مراحل که حقوق دانان برای جرم پولشویی ذکر نمودند که عبارت بود از جای گذاری، لایه چینی و یک پارچه سازی، شاید بتوان گفت که هر بندی از ماده‌ی ۲ لایحه‌ی پولشویی به یکی از مراحل شکل گیری این جرم اشاره دارد.

توضیح این که: بند الف، بیان داشته است تحصیل، تملک و نگهداری یا استفاده از... این بند روی دیگر جای گذاری می‌باشد که شخص اولین قدم را در مسیر جریان پولشویی برمی‌دارد و با تحصیل، تملک، نگهداری و یا استفاده... آن قصد جداسازی اموال حاصله از جرم از منشأ آن را دارد.

پس از آن، بند دو بیان می‌دارد: تبدیل، مبادله، یا انتقال عواید به منظور پنهان کردن... مرحله‌ی دوم پولشویی، لایه چینی می‌باشد که در آن شخص با استفاده از راه‌های پیچیده و با تبدیل‌ها و مبادله‌ها و انتقال‌های متعدد، سعی در پنهان کردن و مبهم ساختن و مشکل نمودن ردیابی اموال دارد. در این بند با توجه به این قسمت که بیان داشته: «... به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن...» می‌رساند که این بند واسطه بوده و متصل به بند ج می‌باشد و هدف بند ج می‌باشد. پس از لایه چینی، مرحله یک پارچه سازی فرامی‌رسد و پول کامل پنهان می‌گردد. بند ج ماده‌ی ۲ که بیان داشته است: «اخفاء یا پنهان کردن...» اشاره به آخرین مرحله‌ی پولشویی دارد که در این مرحله شست و شو در حال نهایی شدن است، آثار جرم منشأ از بین رفته و پول از منشأ کاملاً جدا شده است و لایه‌های متعددی روی آن کشیده شده است و پول غیرقانونی قابل شناسایی نمی‌باشد. از مجموع مطالب فوق مرکب بودن جرم پولشویی نتیجه گیری می‌شود.

پولشویی آنی یا مستمر

پاسخ به این سؤال کار چندان ساده‌ای نمی‌باشد، علت آن اضطراب در کلمات قانون است. در نگاه اول باید گفت: اگر به فرآیند پولشویی توجه کنیم، این فرآیند در طول زمان حاصل می‌گردد که به جرم مستمر شبیه است، ولی اگر به هدف و نتیجه‌ی آن نگاه کنیم که پنهان کردن منشأ است، هرگاه این اخفاء و پنهان سازی تحقق پیدا کند، جرم پولشویی محقق می‌شود و این جرم، جرمی آنی، ولی این چند سطر نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای این سؤال باشد که جرم پولشویی، جرمی آنی یا مستمر؟ وقتی به الفاظ قانون مراجعه می‌کنیم، مقنن الفاظ متعددی را در مورد این جرم به کار برده است، از

جمله: «در ماده‌ی ۲ بند الف، تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از... یا در بند «ب» همین ماده‌ی آمده است. «تبدیل و مبادله یا انتقال، منظور...» و در بند ج آمده است «اخفاء یا پنهان کردن یا کتمان ماهیت واقعی...». وقتی کلمات مقنن با دقت و تأمل بررسی می‌گردد، هر کلمه‌ای حکم خاص خود را دارد؛ مثلاً تحصیل و تملک، آنی است ولی نگهداری یا استفاده می‌تواند مستمر باشد؛ تبدیل، مبادله، نقل و انتقال آنی است ولی اخفاء یا پنهان کردن، دارای ماهیتی مستمر می‌باشد.

با توجه به این اضطراب و عدم یکپارچگی کلمات در تعریف پولشویی، به نظر می‌رسد که باید به نتیجه‌ی حاصله از جرم پولشویی توجه کرد؛ یعنی هرگاه اموال حاصل از جرم سفیدنمایی کرد و از منشأ مجرمانه منقطع شد جرم پولشویی کاملاً تحقق یافته‌است که در صورت پولشویی، جرمی آنی خواهد بود.

پولشویی مطلق یا مقید

در جواب این سؤال، با توجه به الفاظ قانون باید گفت: پولشویی جرمی است مقید. به عبارت دیگر با توجه به مراحل پولشویی، تعریف و هدف آن که پس از تحصیل، مبادله و نتیجه که تبدیل شدن اموال ناشی از جرم به ظاهری قانونی می‌باشد و پس از حصول این نتیجه، جرم ارتکاب می‌یابد؛ پس این جرم، جرمی است مقید. در بند دوم ماده‌ی ۲ قانون پولشویی آمده است: «... به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی...» و بند سوم هم که اشاره به آخرین مرحله‌ی پولشویی دارد، مقید بودن این جرم را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که پولشویی از مسائل جدید فقهی است، از باب احکام ثانویه و احکامی که در آن، قید اضطراب اخذ شده و در شرایط خاصی، حکم به موضوع تعلق می‌گیرد، پولشویی دارای حرمت بوده و مرتکب آن مستحق مذمت فعلی و فاعلی است.

این حرمت پولشویی و قابل مجازات بودن مرتکب آن، بر اساس ادله‌ی متقن از قرآن، اخبار و عقل می‌باشد که جای هیچ شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که فرآیند پولشویی، بر اساس مبانی فقهی حرام و مرتکب آن، مستحق مجازات می‌باشد. باید متذکر شد که در خلال بررسی مدارک و ادله‌ی پولشویی در فقه، در روند جرم‌انگاری، تحقیق و کشف این جرم، تعارضاتی با قواعد فقهی و حقوقی دیده می‌شود. از جمله، تعارض آن با قاعده‌ی لاضرر، تسلیط، ید، سوق، صحت فعل غیر، ممنوعیت تجاوز به حریم خصوصی اشخاص، اصل برائت... که با امعان نظر و دقت در ادله و تعریف پولشویی و نوع حکم آن که از احکام ثانویه است و قید اضطراب در آن اخذ شده و یا از عموماً، حرمت آن استفاده می‌گردد و با نیم‌نگاهی به مصلحت جامعه‌ی اسلامی این تعارضات حل می‌گردد.

در کنار مظاهر اولیه‌ی پولشویی در حقوق ایران، دورنمایی از مبارزه با تطهیر اموال نامشروع در صدر اسلام هم وجود داشته است که ائمه، خصوصاً امیرالمؤمنین علی علیه السلام با آن به شدت و قاطعیت برخورد نمودند و اموال را به اصل خود بازگردانده‌اند.

مقنن ایران، در راستای تعهدات بین‌المللی و براساس مبانی فقهی اقدام به جرم‌انگاری این فرایند نموده‌است ولی به عللی نامعلوم، قانونی را تصویب نموده‌است که فقط از جهت شکلی و عنوان شبیه به قوانین مبارزه با پولشویی می‌باشد، لیکن در مقایسه با قانون نمونه‌ی سازمان ملل برای مبارزه با پولشویی و قوانین مبارزه با پولشویی سایر کشورها و حتی در مقایسه با بعضی لوایح و پیش‌نویس‌ها پیشنهادی دارای محتوای بسیار ضعیفی می‌باشد؛ چراکه این قانون به بسیاری از مسائل مورد نیاز در راستای مبارزه با پولشویی اشاره‌ای نکرده و اگر هم اشاره‌ای نموده، از مسیر اصلی آن خارج شده‌است.

بر این اساس موارد ذیل را می‌توان به عنوان کاستی‌های قانون مبارزه با پولشویی ایران دانست:

۱. فقر در توضیح اصطلاحات و ارائه‌ی تعریف؛
۲. محدود کردن عواید حاصل از جرم به مال؛
۳. عدم ذکر موارد توقف معاملات یا انسداد موقت اموال، علل و موارد آن و چگونگی آن‌ها؛
۴. اقدامات ثانوی پس از گزارش دهی؛
۵. عدم موارد تشدید، تعدد و تکرار؛
۶. عدم ذکر مصونیت افراد گزارش‌دهنده با حسن‌نیت و جبران خسارت متضرر احتمالی و چگونگی آن؛
۷. شیوه‌های نظارتی و تجسسی و روش‌های تأمین امنیت شهود؛
۸. عدم ذکر مجازات‌های انتظامی و اداری مدیران؛
۹. عدم ذکر چگونگی برخورد با اموال مکشوفه؛
۱۰. عدم ذکر چگونگی حفظ حقوق اشخاص ثالث و اموال پاک؛
۱۱. عدم ذکر حکم شروع به این جرم؛
۱۲. عدم ذکر چگونگی مجازات معاون و شریک؛
۱۳. عدم تناسب مجازات و جرم؛
۱۴. عدم اعتنا به خصوصیات جرم و آثار آن؛
۱۵. عدم تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی و عدم بیان چگونگی مجازات آن‌ها و اشخاص حقیقی فعال در آن مؤسسات؛

در قبال کاستی‌های فوق، موارد ذیل جهت جبران آن پیشنهاد می‌گردد:

۱. با توجه به این که جرم‌انگاری این فرایند از سوی مقنن در راستای تعهدات بین‌المللی بوده‌است؛ لذا باید حداقل‌های قانون نمونه‌ی سازمان ملل متحد برای مبارزه با پولشویی در قانون مصوب رعایت گردد.
۲. کاستی‌های فوق که بیان گردید به نحو شایسته‌ای در قانون موادی برای آن‌ها در نظر گرفته‌شود.
۳. با توجه به این که جرم‌انگاری انحصاراً در حیطه‌ی اختیارات مقنن می‌باشد و از قانون مصوب چنین برداشت می‌گردد که مقنن ما آگاهی لازم و کامل را نسبت به این جرم و آثار آن ندارد؛ لذا باید در این زمینه اطلاع‌رسانی لازم به مقنن انجام گیرد.

۴. با توجه به این که پولشویی فرایندی تخصصی و پیچیده است، قانون به صورت پنج یا سه ساله تصویب گردد و در ذیل قانون ماده‌ای گنجانده شود که مرجع عالی مبارزه با پولشویی را ملزم نماید. پس از پایان مدت ره‌آورد، نتایج و کاستی‌های قانون را جهت غنی‌سازی قانون به اطلاع مقنن برساند.

۵. علاوه بر پیشگیری از طریق تصویب قانون و جرم‌انگاری فرایند پولشویی، به روش‌های دیگر پیشگیری از جمله: پیشگیری رشدمدار و مشارکتی خصوصاً برای افرادی که در معرض ارتکاب این جرم می‌باشند، مانند شاغلین در مؤسسات مالی و مدیران توجه خاص گردد.

۶. در قوانین ما مواردی یافت می‌شود که می‌تواند بستر خوب و مناسبی برای عملیات پولشویی باشد. از جمله بخش غیررسمی اقتصاد، بخش املاک و اشیاء قیمتی و امثال آن. لذا باید از طریق اصلاح قوانین و تصویب قوانین جدید این بسترهای مناسب جهت عملیات پولشویی را به موانع در راستای پیش‌گیری از پولشویی تبدیل نمود.

۷. استفاده از تجارب دیگر کشورها در امر مبارزه با پولشویی خصوصاً راه‌کارهای عملی مبارزه با این جرم.

۸. پیگیری ایجاد پایگاه‌های داده‌های آماری جامع افراد و اموال و دولت الکترونیک.



منابع

منابع فارسی

الف: کتاب‌ها

۱. باقرزاده، أحد، جرایم اقتصادی و پولشویی، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۸۳.
۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه‌ی دهخدا، زیر نظر محمد معین، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۱.
۳. سایس، محمد بن علی، تفسیر آیات الاحکام، ج ۱، دار ابن کثیر، بیروت، دار القاری، بیروت، دمشق، ۱۹۹۹.
۴. عمیرات زکریا، تفسیر آیات الاحکام، ج ۱، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی‌تا.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۲، چاپ احمدی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۶. مشهدی، محمد، کنز الدقائق، ج ۹، ص ۶۰۸، مؤسسه النشر الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۷. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱ و ۴، سپهر، تهران، ۱۳۶۰.
۸. مجلس شورای اسلامی، اداره‌ی کل قوانین، ثبت ۲۵۸، دوره‌ی هفتم، سال دوم، چاپ ۱۱۰۳، تاریخ چاپ، ۱۳۸۴/۸/۱۱.

ب: مقالات

۹. آیت‌اللهی، صادق، پیشگیری از تطهیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع (مجرمانه) از طریق اصلاح نظام ثبتی اموال غیرمنقول، نشر وفاق، ۱۳۸۳.
۱۰. باقرزاده، احد، ارزیابی تحلیلی لایحه‌ی مبارزه با پولشویی، نشر وفاق، ۱۳۸۳.
۱۱. جلیلی، معصومه، مفهوم کاداستر در حقوق ثبت و مطالعه و بررسی تطبیقی آثار آن در برخی کشورها، مجله‌ی کانون سردفتران و دفتر یاران، سال ۴۲، دوره دوم، شماره‌ی ۴۶، ۱۳۸۲.
۱۲. حیدری، علی‌مراد، تطهیر پول و شیوه‌های آن، مجله‌ی ترجمان، شماره‌ی ۱۲ و ۱۳، سال چهارم، ۱۳۸۳.
۱۳. دفتر بررسی‌های اقتصادی براساس گزارش فرهاد رهبر، غلامرضا زال‌پول، فضل‌الله میرزاوند، تعریف و مفاهیم پولشویی، مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره‌ی ۳۷، ۱۳۸۲.
۱۴. دفتر بررسی‌های اقتصادی، ضرورت بازنگری در قانون منع پولشویی در ایران، نشر وفاق، ۱۳۸۳.
۱۵. صحرائیان، مهدی، فزاهایی از یافته‌های تحقیقات پولشویی در ایران، نشر وفاق، ۱۳۸۳.

ج. اسناد

۱۶. قانون مبارزه با پولشویی، تصویب نهایی ۱۳۸۴/۷/۲۰.
۱۷. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۲۵۳، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۳، ۱۳۸۱/۷/۱۶.
۱۸. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۳۴۶، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۴، ۱۳۸۲/۵/۱۲.
۱۹. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۳۴۷، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۴، ۱۳۸۲/۵/۱۴.
۲۰. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۴۱۲، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۴، ۱۳۸۳/۱/۲۵.
۲۱. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۴۱۵، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۴، ۱۳۸۳/۱/۳۰.
۲۲. مشروح مذاکرات مجلس، جلسه: ۴۱۶، دوره‌ی ششم، اجلاس‌ی ۴، ۱۳۸۳/۲/۶.

۲۳. مقررات منع پولشویی در مؤسّسات مالی در بانک مرکزی، ضمیمه‌ی سایت بانک مرکزی.

منابع عربی

۲۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۵.

۲۵. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، قم، انوارالهدی، ۱۴۱۸.

۲۶. بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه، ج ۱ و ۳ و ۴، اول، الهادی، قم، ۱۳۷۷.

۲۷. الزرقاء، شیخ احمد بن الشیخ محمد، تصحیح: مصطفی الزرقاء، چاپ ششم، دار العلم، دمشق، ۲۰۰۱.

۲۸. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام، بی تا.

۲۹. مألوف، لویس، المنجد، چاپ ۳۶، آرمان، تهران، ۱۳۷۱.

۳۰. محقق اردبیلی، زبده‌البیان، اعداد: رضا استادی و علی اکبر زمانی نژاد، چاپ دوم، ناشر: مؤمنین، قم، ۱۳۷۸.

۳۱. مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۰ و ۱۲، مؤسّسه النشر الاسلامیة، قم، ۱۴۱۲.

